

آیامی توان شب‌ها، بچه‌ها را در خانه تنها گذاشت؟

که بچه تنهاست چه اتفاقی ممکن است در خانه روی دهد بخود سبیلرزم و تصورش را هم نمیتوانم بکنم، درحقیقت بچه وقتی حس کند در خانه کسی نیست چقدر خودرا تنها و ناراحت حس می‌کند؟ ولی با تمام این احوال باید اعتراف کنم که من تا بحال چندین بار ناچار شدم بچه خودرا شب در خانه تنها گذاشته و بیرون

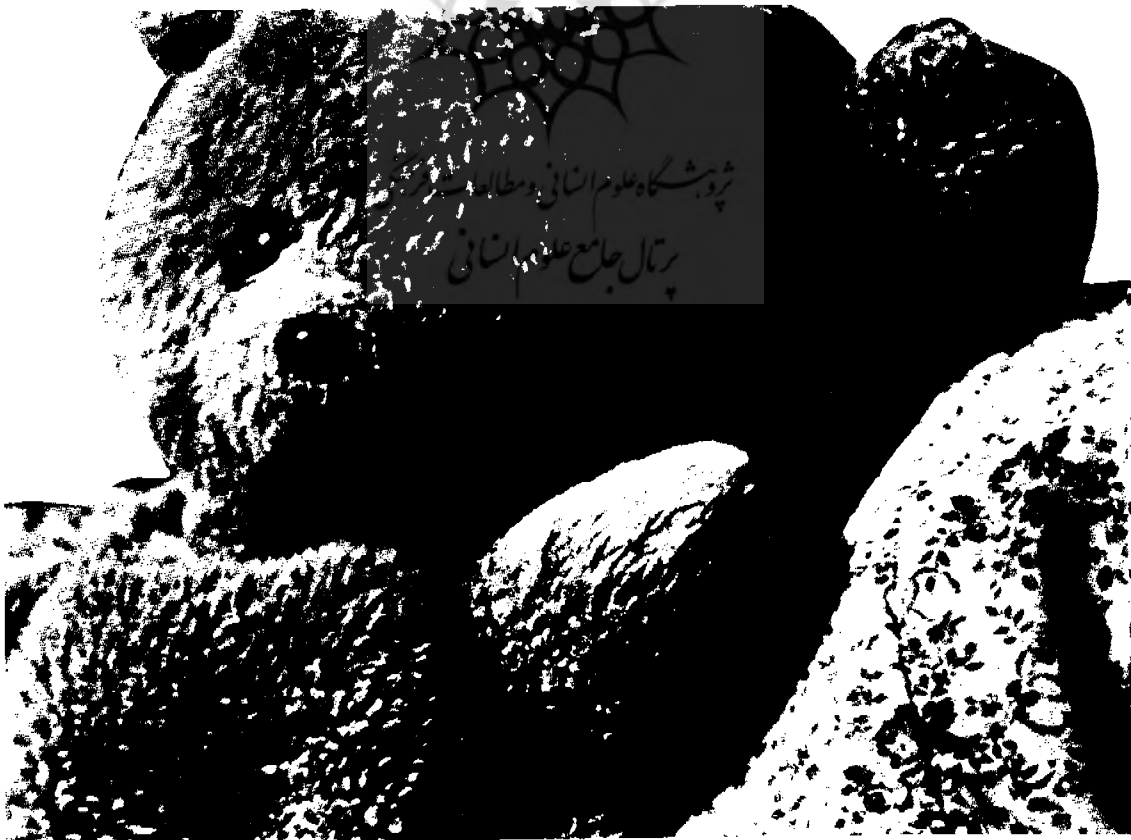
باکمبود کلفت و نوکر و خدمتکار این سوالی است که در بیشتر از خانواده‌ها پیش می‌آید که آیا می‌توانند شب بچه‌های خودرا در خانه تنها گذاشته و بیرون بروند؟ واقعاً این کار تا چه حدی مجاز است؟ یکی از مادران که بقول خودش ترسو و ملاحظه‌کار است در جواب این سوال اظهار داشت: بدون پرده باید بگویم که، بچه‌ها را نمیشود تنها گذاشت هر وقت فکر می‌کنم که در غیبت من



بروم و البته در تمام طول مدتی که در خارج خانه بوده‌ام خیالم ناراحت و پریشان بوده است، وقتی فکر می‌کنم می‌بینم چاره‌ای هم جز این کار نداشته‌ام و بعلاوه شاید هم لازم باشد که بچه‌ها را گاهی تنها بگذاریم تا آنها بتوانند عادت کنند و یکی از اصول پرورش هم این است که بچه‌ها باید بتوانند مدتی تنها باشند و این اعتماد را پیدا کنند که وقتی پدر و مادر آنها می‌روند نباید نگران شوند زیرا پدر و مادر بدون شک مراجعت می‌کنند و نبایستی از احتمال نیامدن آنها وحشت داشته باشند. اما با وجود این خیلی مشکل است که شخص خود را قانع کند که بچه را شب در خانه تنها بگذارد و بیرون برود و مخصوصاً

مادران هر یک از چیزی وحشت دارند. شب‌هائی که بچه را در خانه تنها گذاشته‌ام وقتی بطرف خانه برمی‌گردم آرزو می‌کنم که خانه سالم باشد اتومبیل‌های آتش‌نشانی جلوی خانه مان نباشد و بچه راحت و آسوده در جای خود خوابیده باشد و اقامت چقدر لذت بخش است که مادری پس از بازگشت بخانه بچه خود را نگاه کند که آرام و راحت بخواب رفته است؟ مادران دیگری هستند که نگرانیهای دیگری دارند، مثلاً مادری می‌ترسد که بچه‌اش در مدت غیبت او خفه شود، عده‌ای می‌ترسند که خانه آنها مورد دستبرد واقع شود و بچه بترسد.....

در هر حال این ملاحظات است که



مادران را با یک معما و مشکل مواجه می‌کنند که شب‌ها از خانه خارج شوند یا آنکه بخاطر بچه خود از همه چیز صرف‌نظر کرده و بمانند؟ گاهی اتفاق می‌افتد که پدر بچه اصرار دارد باتفاق همسرش از خانه بیرون بروند، خوب تکلیف چیست؟ آیا مادر باید از رفتن خودداری کرده و بگوید تو تنها برو من در خانه میمانم و باین ترتیب یک مشکل خانوادگی هم بوجود آورد؟ اینها نکاتی است که باید بطور کامل بررسی شود و با دقت برای آنها راه حلی جستجو کرد.

چه مواعقی می‌توان بچه‌ها تنها گذاشت؟

بسیاری از پدران و مادران هستند که شب‌ها بچه سه‌ساله خود را تنها می‌گذارند و از خانه خارج میشوند بدون آنکه اشکالی برای آنها پیش بیاید، یا احساس ناراحتی کنند و بدون اینکه این کار اصولاً ضرری برای بچه آنها داشته باشد و خیلی پدر و مادرها هم هستند که وقتی بچه هفت‌ساله خود را تنها می‌گذارند، دو ساعتی که مثلاً در سینما هستند یا نگرانی و اضطراب و گریه و ترس و لرز می‌گذرانند و تفریح را به خودشان و شوهرشان حرام میکنند.

بدین ترتیب شرایط تنها گذاشتن بچه‌ها ارتباط با سن آنها ندارد، بلکه بستگی به چگونگی روابط موجود میان بچه‌ها و اولیا و همچنین طرز فکر و پرورش بچه‌ها دارد، باید دید که طرز فکر بچه‌ها چگونه است آیا آنها با اطمینان کامل می‌توانند بگویند: پدر و مادرم هیچوقت مرا ترک نخواهند کرد آنها می‌روند و برمیگردند؟ این اعتماد و اطمینان هم خود بخود در بچه بوجود نمی‌آید، بلکه این پدر و مادرها هستند که باید آنرا در بچه تزریق

نمایند و از مواعقی که هوش و حواس بچه‌ها بیکار می‌افتد بتدریج او را نسبت باین موضوع مطمئن نمایند.

بچه‌هایی که از دوران شیرخوارگی و کودکی زیاد تنها مانده‌اند و افراد مختلفی از آنها مراقبت کرده‌اند و یک نفر نبوده است که بتوانند بطور دائم باو اعتماد و اطمینان کنند، البته وقتی پدر و مادرشان بخواهد از خانه خارج شوند ناراحت میشوند زیرا دائماً نگرانند که تنها بمانند و این موضوع را بکرات دیده‌اند که پدر و مادر رفته‌اند و مراقبت از آنها را بدیگری واگذار کرده‌اند.

بهین ترتیب بچه‌هایی که گول خورده‌اند و پدر و مادر سعی کرده‌اند آنها را فریب دهند، هرگز اعتماد و اطمینان خود را بدست نمی‌آورند، مثلاً بچه‌ای که ناگهان نیمه شب از خواب بیدار شده و پدر و مادر خود را صدا کند و مشاهده نماید که کسی در خانه نیست و آنها بیخبر و بدون آنکه باو بگویند بیرون رفته‌اند، اعتماد و اطمینان خود را بدون تردید از دست خواهد داد و این قبیل بچه‌ها هستند که از بیرون رفتن پدر و مادر نگران میشوند و پدر و مادر هم موقع خروج از خانه باید بخاطر آنها نگران باشند.

چه مواعقی بچه‌ها را نباید تنها گذاشت؟

مادری تعریف میکند وقتی پسر من هنوز سه‌سالش تمام نشده بود، گاهی شب‌ها از خانه خارج شده و بمنزل همسایه میرفتم چراغ راهرو را روشن می‌گذاشتم و وقتی مطمئن میشدم پسر خوابش برده است آنوقت میرفتم و پس از آنکه سری به خانه همسایه می‌زدم در حدود نیم‌ساعت بعد برمی‌گشتم، یک‌شبه مواعقی

که از خانه همسایه برگشتم و در را باز کردم ناگهان قلبم فروریخت، زیرا پسرم نمیدانم به چه علتی از خواب پریشده و بیدار شده و ظاهراً شروع بگریه کرده بود. ولی هرچه گریه کرده کسی نبوده است که به کمک او بیاید و حالا خیلی تنها و ناراحت و در حالیکه سسکه میگرد و داشت خفه می شد روی تخت خواب خود ایستاده بود.

این واقعه بکلی مرا تکان داد، از آنشب به بعد وضع دیگری پیدا کردم، البته پسرم بزودی این واقعه را از یاد برد و آرام شد ولی من هنوز آنرا فراموش نکرده ام و تصمیم گرفته ام که بعد از این هرگز شب ها از خانه خارج نشوم، مگر آنکه قبلاً موضوع را به پسر کوچکم بگویم و او را آماده برای این تنها ماندن بکنم و علاوه تصمیم گرفته ام که اگر کوچکترین شک و تردیدی در سلامتی او دارم او را تنها نگذارم اینکار آسان نیست ولی در هر حال من تصمیم خود را از آنموقع تا کنون عملی کرده ام.

در اینجا باید خاطر نشان کنیم که اگر

هم پدر و مادر بچه خود را خوب تربیت کرده باشد و او را عادت داده باشند که تنها بماند باز هم سواردی وجود دارد که اینکار را نباید بکنند و بچه ها را نمی بایستی تنها بگذارند، این سوارد بقرار زیر هستند:

* در موردی که پدر و مادر بدانند بچه آنها از رعد و برق و طوفان هوا وحشت می کنند و هوا هم طوفانی بوده و احتمال رعد و برق برود.

* اگر در آنشب بعلت تصادف یا یک عید یا مراسم دیگر سروصدای زیادی در اطراف باشد، سروصدائی که غیر عادی بوده و بچه را از خواب بیدار کند.



* اگر پدر و مادر بدانند که روز قبل بچه با حادثه نسبتاً وحشتناک و ترسناکی روبه‌رو شده است و در نتیجه شب نمیتواند بخوبی بخوابد.

* اگر بچه شنیده باشد که یکی از اقوام و خویشان مردماند و حالا دچار ترس و نگرانی باشد که مبادا پدر و مادر او هم بمیرند وی را تنها بگذارند.

* در روزهای اول پس از جدائی و طلاق، نیز نباید بچه را شب‌ها تنها گذاشت، زیرا در این اوقات بچه که یکی از اولیاء خود را از دست داده است، در نگرانی و اضطراب بسر میرد که مبادا دیگری را هم از دست بدهد و آنوقت یکه و تنها در دنیا باقی بماند.

* در دوره‌هایی که کودک نوزاد معمولاً گرفتار ترس و وحشت میشود نیز نباید او را تنها گذاشت و این دوره هم از هشت ماهگی بچه شروع می‌شود و تا ۱۸ ماهگی او ادامه دارد در این دوره معمولاً بچه از قیافه‌ها و چهره‌های غریبه ترس و وحشت دارد و بهتر است که پدر و مادر هر جا می‌روند بچه را هم با خود ببرند.

چگونه يك بچه عادت به تنها ماندن میکند

بچه‌های نوزاد و شیرخوار را در غیراز این دوران می‌توان تنها گذاشت، این تنها گذاشتن آسیبی از نظر روحی و روانی بآنها نمیرساند ولی قبلاً از آنکه مادرها، بچه را ترك کنند باید رعایت احتیاط‌های لازم را کرده و مخاطرات را از او دور کنند: از جمله آنکه روی تخت بچه هیچ، چیز کوچکی نباید باشد که بچه آنها دردها را خودگذاشته و فرو ببرد و در نتیجه خفه شود، بهترین حالت برای زیر سر انواع کمی سفت و محکم آنست

که سر بچه در آن فرو نرود و حالت خفگی پیدا نکند، لحاف روی بچه را هم باید به‌نرده‌های اطراف تخت محکم کرد که از روی بچه رد نشود بعلاوه دردها را و حلق او گیر نکنند و راه نفس بچه رانه‌بندد، برای اطمینان بیشتر بهتر است که کلید منزل را در صورت امکان به همسایه‌ها بدهید تا آنها در غیاب شما گاهی سری به اطاق بچه بزنند یا از همه بهتر آنست که از مؤسسات مخصوصی بخواهید یک نفر را بطور موقت برای نگهداری بچه به منزل شما بفرستند، در کشورهای خارجی از وسایل فنی و علمی جدید، بدین منظور کمک می‌گیرند، بدین معنی که دستگاه‌هایی در اطاق بچه کار می‌گذارند که متصل به دستگاه‌های دیگری در اطاق همسایه است و همسایه می‌تواند گاهی از اوقات باروشن کردن آن دستگاه بفهمد که آیا بچه خوابیده و آرام است یا آنکه بیدار شده و گریه میکند.

در مورد بچه‌های بزرگتر که میتوانند راه بروند، باید نه فقط در تخت خواب و اطاق و اطاق خواب بچه، احتیاط‌های لازم بعمل آید بلکه می‌بایستی در تمام قسمت‌های خانه این احتیاط‌ها رعایت شود زیرا ممکن است بچه بیدار شود و از تخت خواب خود پائین بیاید و کارهایی بکند که خطرناک باشد، مثلاً دست به شیرگاز یا پریز برق بزند.

بچه‌ها از همان سن کم متوجه میشوند که پدر و مادر آنها نمیتوانند همیشه در خانه بمانند و باید برای ملاقات دوستان و آشنایان خود و یا اصولاً تفریح و گردش به خارج از خانه بروند و از همان کوچکی می‌توان بآنها گفت که پدر یا مادرشان رفته است ولی دوباره برمیگردد، حتی می‌توان به بچه‌هایی که وقت را نمی‌فهمند و ساعت را تشخیص نمیدهند فهماند که وقتی می‌روند چه موقعی

برمیگردند ، مثلا پدر یا مادر با گچ روی یکی از شماره‌های ساعت دیواری علامت گذاشته و به بچه میگویند ما میرویم و هر وقت عقربه ساعت روی این علامت آمد برمیگردیم و البته این خیلی مهم است که آنها بقول و وعده خود وفا کرده و درست در همان ساعتی که گفته‌اند بمنزل مراجعت کنند .



بچه‌ها گاهی اوقات هم اصولاً از بیرون رفتن پدر و مادر خود ناراحت میشوند و این خارج شدن برای آنها یک نوع تجربه هم هست ، مثلا آنها وقتی پدر و مادر خود را با لباس شب می‌بینند خوششان می‌آید و تصوراتی برایشان پیدا میشود که شب نشینی و مهمانی چگونه است و اشخاص با چه سرو وضعی در آنها شرکت میکنند. ولی بطور کلی با همه این احتیاط‌ها و مراقبت‌ها روانشناسان و کارشناسان تنها گذاشتن بچه‌ها را در هنگام شب توصیه نمیکنند و آنرا مخاطره‌آسیز میدانند، بعقیده کارشناسان پدر و مادر وقتی مجازند بچه خود را تنها بگذارند که او بتواند تلفن کند و با تلفن آشنا باشد یعنی در سنین چهار یا پنج سالگی بی‌الا ، در اینصورت لااقل این اطمینان هست که اگر برای بچه اشکالی یا ناراحتی پیش بیاید میتواند با قوام نزدیک خود یا لااقل پلیس اطلاع دهد و قبل از این سنین پدران و مادران قبل از خروج از خانه آنهم مخصوصاً در مواقع شب باید یک نفر از آشنایان و دوستان یا پرستار را نزد بچه خود بگذارند ، در صورت آشنائی با تلفن ، پدر و مادر خودشان هم می‌توانند از خارج گاهی با بچه صحبت کنند و از او بپرسند که اشکالی پیش نیامده است و در صورتیکه موقع خواب بچه رسیده باشد با تلفن باو شب بخیر بگویند .

انتظار جواب آن هستند این سؤال اینست که آیا بچه‌های بزرگتر میتوانند از برادر یا خواهر کوچکتر خود در غیبت پدر و مادرشان مراقبت و نگهداری کنند ؟ جواب این سؤال بله و نه است . بله در صورتی است که اختلاف سن بچه‌ها بقدری باشد که بچه‌های بزرگتر روزها هم بتوانند بدون برخورد و اصطکاک از خواهر و برادر کوچکتر خود مراقبت کنند و در حقیقت بچه‌های کوچک از آنها حرف شنوی داشته باشند و نه ، در صورتی است که اختلاف سن آنها زیاد باشد و بچه بزرگتر نتواند به خواهر و برادر کوچک خود دستور داده و امر و نهی کند و میان آنها اختلاف و مشاجره صورت گیرد .

حالا سؤال دیگری را مطرح میکنیم که در بیشتر از خانواده‌ها پیش می‌آید و در